

مکتوبات بهاء الله به کنت دو گوینو

چهار سال پیش که از کتابخانه ملی و دانشگاهی شهر استراسبورگ دیدن می کردم مقداری از اسناد و اوراق مربوط به کنت دو گوینو وزیر مختار فرانسه در ایران از نویسندگان و متفکرین فرانسه را ملاحظه کردم .

در میان یکی از مجموعه ها به مکتوبی از میرزا حسینعلی نوری (بهاء الله) برخوردیم که در شکایت و تظلم از وضع خود به وزیر مختار مذکور نوشته بود . آن مکتوب را همان ایام با شرحی مجمل در احوال گوینو در گرامی مجله بغما بطبع رسانیدم (صفحات ۲۰۹-۲۷۵ سال دهم در سال ۱۳۳۶) . در این روزها که دیدار فیض بخش و محضر مسرت انگیز آقای سید محمد علی جمالزاده دست داد در حین صحبت مکشوف شد که چند تن از استادان دانشگاه ژنوباهمکاری ایشان در صددر آمده اند که کتابی در افکار و عقاید گوینو باستناد آثار چاپ شده و چاپ نشده اش بنویسند . بهمین منظور جمیع اوراق و اسناد آن بزرگوار را که در کتابخانه ملی و دانشگاهی استراسبورگ موجود است به ژنو خواسته و یکایک آن اوراق را مورد معاینه قرار داده اند .

آقای جمال زاده شخصاً به اسناد و مکتوبی که بزبان فارسی است علاقه و توجه خاص پیدا کرده و آن مطالبی را که واجد اهمیت ادبی یا تاریخی است با دقت مخصوص بخود استنساخ یا عکس برداری کرده اند تا بتدریج در مجله بغما چاپ برسانند و قواید مورد استفاده را از دستبرد فنا محفوظ نگاه دارند .

آقای جمال زاده از میان اوراق متعلق به کتابخانه استراسبورگ عکس شش مکتوب دیگر بهاء الله را فراهم کرده اند که مضامین غالب آنها تظلم و شکایت است، و طبعاً برای تحقیق در تاریخ حوادث ایران - فایده تمام دارد . با اظهار امتنان از حضرت جمال زاده که مکاتیب مذکور را در اختیار من گذاشته اند باین مقدمه خاتمه می بخشم .

نذکار این نکته لازم است که از بهاء الله به گوینو سه مکتوب اساسی در دست است که یکی را از بغداد و دیگری را از ادرنه و سومین را از عکا تحریر کرده است .

مکتوب ادرنه همانست که قبل ازین در بغما بطبع رسیده ام . دو مکتوب بغداد و عکا و چهار نامه که در جواب مکاتیب گوینوست اینک بیجا می رسد بی هیچ نصرف در شیوه املاء و انشاء مکاتیب .

لوزان (سویس) ، ۲۲ شهریور ۱۳۳۹

ایرج افشار

مکتوب از بغداد

هو الله تعالی - عرض این بنده خدمت سفیر اعظم و وزیر اکرم آنکه بلایای ابن عباد بمقامی رسیده که قلم و مداد از تحریر آن عاجز ، و این عید چند سنه باولایای دولت علیه عثمانیه در هیچ باب ذکری نمودم و

۱ - برای اطلاع خوانندگان بر اجمال این مطالب باید یادآور شد که فهرست بعضی از اوراق و اسناد مذکور را من در طی مقاله سابق (بغما ، سال دهم ، ۱۳۳۶) بدست داده ام . آنچه آقای جمال زاده بشازگی کسب کرده اند و من ندیده بودم مشروحاً طبقه بندی علمای ایران ، صورت مستدعیات دولت ایران از دولت فرانسه است .

آنچه وارد شد متوکلاً علی الله صابر بلکه راضی و شاکر بودم، خدای واحد شاهد است که همیشه منتظر شهادت بودم و لکن چون مشاهده شد که جمعی از فقرا که بذکر الله مشغولند و از مسواک منقطع در در دیار اناثاً و ذکوراً صغیراً و کبیراً مبتلا و مظلومند، مع آنکه شانزده سنه میشود از ورود ابن عبد بینداد تا حین ابداً از احدی تقصیری سر نزده و آنحضرت البتہ شنیده اند که قبل از شانزده سنه این طایفه تحمل ظلم نمینمودند و مکافات مینمودند و این عبد جمیع را منع نمودم بقسمیکه در هر بلد کشته شدند و مع ذلك متعرض نفسی نشدند. و حال شانزده سنه میشود که آنچه از این طایفه کشته اند ابداً تعرض نمودند و حال آنکه حال قوی ترند از قبل، و در هر بلدی از بلاد ایران بیشتر از پیشترند. مع ذلك آنچه از ظلم برایشان وارد شده ساکت و صابر بوده هستند و حال مظلومترین اهل ارضند. بر این عبد لازم شد که عرض این مظلومان را به پیشگاه حضور شاهنشاه جهان معروض دارم، و همین قدر استدعا مینمایم که عنایتی شود که با این مظلومان مثل سایر ناس رفتار کنند و از قواعد و اصول دولتیہ تجاوز ننمایند. شأن خورشید اشراق و اعطای انوار است و لایق سحاب امطار، در این مقام بر حضرت شاهنشاه رعایت جمعی مظلوم لازمست. و در این روزها امر این مسجونان بسیار شدید شده و ساعت بساعت در شدت است. قریب هفتاد نفر حبس کرده اند. جمیع ناخوش و مریض و نمیکذارند که بجهت دوا و غذا کسی بیرون برود و دیناری مصارف ناهال ندادند. چند روز قبل پاشا آمده نزد بنده زاده و ذکر نمود که تلفراف زده اند که بعضی را روزی يك فرنك و بعضی را نیم فرنك بدهیم و از این فقره هم گویا مقصود اقتضای این بنده بوده. چندی قبل تفصیل امور را خدمت سفیر کبیر دولت فقیمة لسه معروض داشتم و ایشان هم اگر فی الجمله توجه فرمایند امور اصلاح مییابد، چه که قصوری از این عباد ظاهر نشده و ابداً بقاعده اصول بر این طایفه خطائی ثابت نگشته، و هنوز نگفته اند که سبب این بلاچه بوده و علت چه شده. البتہ آن حضرت بقدر وسع در امور این عباد توجه خواهند فرمود. خدای واحد شاهد است که از آنحضرت کمال امتنان حاصلست. همین قدر که در چنین وقتی این عبد را یاد فرمودند فی الحقیقه کافیست و هرگز از نظر محو نخواهد شد و از حق جل جلاله استدعا مینمایم که یوماً فیوماً بر معرفت و دولت آنحضرت بیفزاید. باقی امر کم العالی مطاع.

مکتوب از عکا

هو الله تعالی شانه

عرض این بنده در خدمت حضرت وزیر اعظم و سفیر افتخام اکرم دام اقباله آنکه امور این بنده بقسمی واقع شده که قلم و لسان و تحریر و بیان از ذکر آن قاصر است. مجمل آنکه مدت شش سنه در ادره حسب الامر دولت علیه عثمانیه ساکن بودیم و ابداً از این عبد و متعلقان خلاف اصول ظاهر نشده چنانچه جمیع اهل ادره شاهد و گواهند. مع ذلك سه ماه قبل بقتۀ ما مورین دولت عثمانیه دورخانه را گرفتند و آنچه از متعلقان این عبد که در بازار دکان داشتند جمیع را گرفته بدرخانه حکومت بردند، و بعد آدمی از حکومت آمد اخبار کرد که حسب الامر پادشاهی باید شما با عیال و اطفال بکلیبولی بروید. دیگر بهیچوجه فرصت ندادند. جمیع اسباب متعلقان تحت حکم ضابطان لشکر بقیمت بسیار کم فروختند و آنقدر فرصت ندادند که پول آن گرفته شود. بعد این بنده را با هفتاد نفر از زن و مرد و اطفال کوچک بکلیبولی آوردند. بعد از ورود ما موروی مخصوص عمر افندی بین باشی با پنج چاوش از استانبول وارد شدند، حکمی بیرون آوردند که حسب الامر شش نفر به عکا باید بروند و پنج نفر بقبرس، و من بیاقی رجوع ندارم، خود مختارند. و بعد معلوم شد که تدبیر کرده بود زیرا پول واپور را از همه گرفت و کل را بکا

که بدآب و هوای نری روی زمین است آورد الا چهار نفر را که بقلعه خرابه در جزیره قبرس بردند. بمجرد ورود در عکا جمیع را در سربازخانه و خرابه حبس کردند حتی زنهارا و اطفالش ماهرا و ابواب دخول و خروج را بالمره بستند. و حال پنجاه روز است که در عکا در سربازخانه خرابه محبوسیم و جمیع از بدی آب و هوا ناخوش شده اند، بناخوشیهای صعب بقسمیکه در دوروز سه نفر مردند بی طیب و غذا و دوا و تا حال این عبادند استه ایم که تقصیر چه بوده و چیست، ابدأ سؤال و جوابی نشده، و ابدأ از این عباد تقصیر و خلاف اصول ظاهر نشده. اگر قصور و گناه این عباد آنست که بایستی این از اول معلوم بود و اولیای دولت علیه عثمانیه مطلع بودند که این عباد بایستی هستند. این امری مستور نبود. مم ذلك این عبدرا دولت خواسته باجمعی از متعلقان از بغداد با کمال خلوص بدر بار حضرت پادشاهی آمدیم و مع ذلك هر روز بلائی وارد شد تا آنکه منتهی شد باین بلاء بزرگ. اگر تقصیر دیگر باین عباد نسبت میدهند مجلس کنند و استفسار شود بعد از تحقیق واضح و مبرهن خواهد شد که ابدأ این عباد خارج از اصول حرکتی نکرده و جمیع قوسلها که در ادرنه از جانب دول فخریه ساکنند مطلعند و جمیع شهادت دادند که این عباد مقصر نیستند، و آنچه خواستیم بفهمیم که تقصیر این عباد چه چیز است ابدأ کبری نمودند که اطلاع حاصل شود. استدعای این عباد از آنحضرت عالی آنست که توجهی فرمایند که نسایم عنایت و الطاف اعلی حضرت شاهنشاهی بر این عباد مرور نماید. مقصود اصلی این عباد آنست که شاید از بلایای متواتره در ظل حمایت امپراطور اعظم افخم اکرم دام ظلّه العالی آسوده شوند و بدعای دولت ابد مدت مشغول شوند. و از جمله اخبار که بتلغراف خبر رسید آنکه در بغداد سی نفر از معارف دوستان این عبد را بدون جرم و تقصیر بجزیره سرکون کردند و املاک این عبدرا جمیع ضبط کردند. استدعا آنست از قنسول بغداد استفسار فرمایند تا معلوم گردد که جمیع این امور بدون ذره تقصیر وارد شده جمیع این عباد منتظرند که از افاق عنایت و عدالت شاهنشاه زمان و امپراطور اعظم دوران بوجه سرکار عالی آفتاب عنایتی اشراق نماید. باقی امر اشرف عالی مطاع.

مکتوب دیگر

هو الله تعالی

عرض میشود که دستخط عالی که مشعر بر ملاطف کبری بود رسید و کمال فرح و انبساط و مسرت و ابتهاج روی نمود. معلومست که آنچه از سرکار عالی بر آید کوتاهی نخواهید فرمود و فی الحقیقه دولتخواهی شاهنشاه زمان هم در اینست، چه که جمعی کثیر بدعای دوام دولت قیام خواهند نمود و باقی ذکر خیر سلطان زمان و آن سرکار در جمیع ممالک ایران تا قیامت باقی خواهد ماند و این عبد تا حال بهیچ دولتی عرض مطلبی ننموده لذا امیدواریم که از توجه سرکار عالی این امر انجام پذیرد تا کل به آسایش تمام بذکر ابقای دولت مشغول گردند. الامر العالی مطاع. و غرض از این مکتوب اظهار ممنونیت از سرکار عالیست که کمال محبت را فرموده اند و هر یضه را رسانده اند.

مکتوب دیگر

هو الله

خدمت حضرت وزیر اعظم و سفیر افخم اکرم دام اقباله العالی عرض میشود که عرض معروض شده بود حین ارسال ثانی دستخط عالی آنحضرت بهجت بخش خواطر پشردگان شد. لله الحمد که این محزونان را بخبر سلامتی وجود مبارک عالی و تفقد احوال این محبوسان مسرور فرمودند. بسیار بسیار این عبد از آنحضرت عالی متشکرم و ممنونیت زیاده از حد ذکر و بیان حاصل شد و امور این

مظلومان در هر یوم در اشتداد است و تفصیل معروض شد . از خدا آملمیم که در کل اوان و احیان بر عمر و دولت و عزت آنحضرت بیفزاید . بسیار خجلم از اینکه آنحضرت عالی را بزحمت انداختم و لکن امیدواریم که این زحمت سبب ابقای ذکر خیر آنحضرت بشود و در دنیا و آخرت بمنتهای آمال برسند . باقی امر کم عالی مطاع (مهرحسینعلی)

مکتوب دیگر

هو الله

عرض میشود خدمت سفیر اعظم اکرم و وزیر افنم دام اقباله عالی آنکه مکتوب حضرت عالی رسید و منتهای سرور شادمانی حاصل شد و زیاده از حد احصا از آنحضرت ممنونیت دست داد . خدای واحد شاهد است که دعای دوام عمر و دولت و اقبال سرکار در شب و روز ورد زبان این اسیران و محبوسان گشته و در کل آن از حق مسئلت مینمائیم که بر عمر و دولت و عزت آنحضرت بیفزاید . و حادثه تازه واقع نشده امور بر همان حال سابق باقیست . و فی الحقیقه هر وقت که دستخط حضرت عالی میرسد سرور و فرح بی اندازه دست میدهد لیکن کمال خجالت از این حاصل است که آنحضرت عالی را بزحمت انداختیم . انشاءالله امیدواریم که این زحمت و مشقت سبب نیک نامی و ابقای ذکر خیر آنحضرت گردد ، زیرا الان جمعی بدل و جان بدعا گوئی سرکار مشغولند . باقی امر کم عالی مطاع . والسلام . (مهرحسینعلی)

مکتوب دیگر

هو الله

عرض این بنده در خدمت حضرت عالی دام اقباله آنسکه در وقتیکه در حبس عکا ابواب سرور بسته و درهای اندوه و غم باز دستخط مبارک عالی رسید . الحمد لله جمیع اندوه و غم بسرور و خوشحالی تبدیل شد . خیلی سبب دلجوئی و تسلی خواطر مظلومان شد و جمیع بدعای بقای عمر و دولت حضرت عالی مشغولند . بسیار ممنون شدیم و ذریعه مخلصانه هم خدمت ابلجی کبیر دولت بهیه نمسه ارسال میشود . و لکن استدعا آنست که بهمت آنحضرت عالی از طرف اشرف اعلی حضرت امیر اطور اعظم نسیم عنایتی بوزد و این مظلومان را از بلا عظیم خلاص فرمایند . و دیگر آنکه هر چه آنحضرت عالی مسلحت بدانند همت خواهند فرمود و سبب ممنونیت این عباد میشود . باقی مباد آنکه نخواهد بقای تو . باقی امر کم الاشرف عالی مطاع . (محل مهرحسینعلی)

